

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقلید از چندین مجتهد در یک مسئله

(ترجمه)



پرسش

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

شیخ بزرگوار! در مسئله‌ای که تقلید بیشتر از یک مجتهد در آن جواز ندارد، توضیح و تفصیل آن چگونه است؟ و چگونه بدانیم که این یک مسئله است یا بیشتر از آن؟

پاسخ

وعلیکم السلام و رحمت الله و برکاته!

تفصیل این مسئله در کتاب شخصیه‌ی اسلامی، باب التنتقل بین المجتهدين، جلد اول صفحه 234-235، به شکل ذیل بیان شده است: «در مسئله‌ای که شخص از یک مجتهد تقلید می‌کند و بعد برایش جواز دارد که تقلید این مجتهد را ترک نماید و از مجتهد دیگری تقلید کند؛ حال باید واضح شود که این چه نوع مسئله است؟ پس لازم است که در نوعیت این مسئله دو مطلب رعایت شود. اول این‌که این مسئله از غیرش منقطع (مستقل و جدا) باشد. دوم این‌که به ترک آن در احکام دیگری اخلال واقع نشود؛ اما اگر مسئله قسمی باشد که به غیرش متصل باشد یا به عبارت دیگر، فروعاً داشته باشد، در این صورت ترک آن جواز ندارد؛ مگر این‌که تمام مسائل متصل به آن را ترک نماید؛ زیرا در این صورت همه‌ی مسائل به مثابه‌ی یک مسئله می‌باشد. مثل این‌که همان مسئله یا شرط به حکم دیگری است، یا رکنی از ارکان یک عمل کامل باشد، مانند: نماز، وضو و ارکان نماز.

بدین اساس، برای کسی که مقلد امام شافعی باشد، درست نیست که در یک مسئله از امام ابو حنیفه (مس نمودن زن وضو را نمی‌شکند) تقلید نماید، در حالی‌که سایر امور نمازش را مطابق مذهب امام شافعی می‌خواند. همچنان، درست نیست از کسی تقلید کند که می‌گوید: عمل کثیر به هر اندازه که برسد، نماز را باطل نمی‌کند، و یا قرائت سوره‌ی فاتحه رکنی از ارکان نماز نیست و سپس نماز را مطابق تقلید از کسی اداء کند که می‌گوید: عمل کثیر نماز را باطل می‌کند، یا سوره‌ی فاتحه رکنی از ارکان نماز است. بنابر این، حکمی که ترک آن جائز است، آن حکمی است که ترک آن بر اعمال دیگری که وفق احکام شرعی دیگر بدان می‌پردازد، تأثیر گذار نباشد.»

از بحث فوق واضح می‌شود که شناخت مسئله مربوط به منقطع یا مستقل بودن از غیرش می‌باشد، قسمی‌که با ترک آن به حکم شرعی دیگری خلل مرتب نشود، یعنی نه رکن و نه شرط انعقاد یا شرط صحت از حکم دیگری باشد؛ زیرا در این صورت منقطع از غیرش نمی‌باشد. توضیح بیشتر این مسئله قرار ذیل است:

**تعریف مسئله:** منظور ما از مسئله در اینجا هر آن فعل یا مجموعی افعالی است که صحت غیرش به آن متوقف نباشد. اما جزء مسئله عبارت از هر آن فعلی است که برای تحقق صحت آن وجود جزء دیگر لازمی باشد. مانند: شروط و ارکان.

**مثال ها:**

**وضو:** وضو از جمله افعالی است که صحت غیرش به وی متوقف می‌باشد؛ زیرا صحت نماز متوقف به وضو است. بناءً وضو حسب تعریف فوق یک مسئله‌ی مستقل نبوده؛ بلکه جزئی از نماز است؛ زیرا صحت نماز مربوط به آن می‌باشد.

**نماز:** نماز از جمله افعالی است که صحت غیرش به آن متوقف نیست، لذا نماز یک مسئله‌ی مستقل بوده که برای تحقق صحت آن، موجودیت هر جزء آن ضروری می‌باشد، مانند: ارکان و شروط صحت‌اش (طهارت و استقبال قبله).

**نیت در روزه:** نیت در روزه فعلی است که صحت غیرش به آن متوقف می‌باشد؛ زیرا صحت روزه متوقف به نیت است، لذا نیت مسئله‌ی مستقل نبوده؛ بلکه جزء مسئله‌ی دیگر می‌باشد.

**روزه:** روزه فعلی است که صحت غیرش به آن متوقف نمی‌باشد، لذا آن مسئله مستقل است و هر جزء آن برای تحقق صحت دیگرش ضروریست. مانند: نیت و خودداری از شکننده‌های روزه (اعم از خوردن و نوش شهوت و...).

بدین اساس، وقتی یک شخص مجتهدی را در نماز تقلید می‌کند، لازم است در همه اجزای نماز از وی تقلید کند. مانند: وضو، غسل جنابت، تیمم، استقبال قبله و بقیه ارکان نماز. هرگاه یک شخص در احکام روزه از مجتهدی تقلید می‌کند، لازم است در تمام اجزای روزه از آن تقلید نماید. مانند: نیت و وجوب نیت در شب برای هر روز یا کل ماه و این‌که نیت‌اش در روز صحیح است یا حتماً از شب نیت کند، همچنان در مفطرات، رخصت‌ها و افطار؛ اما در یک مسئله‌ای مستقل جواز دارد که از مجتهد دیگری تقلید کند.

تمام آنچه گفته شد، برای شخص مقلد می‌باشد؛ اما اگر کسی به حدی توانمندی علمی داشته باشد که امکان استنباط احکام از ادله و ترجیح ادله را داشت، پس برای چنین شخصی جواز دارد که مجتهدی را که تقلید می‌کرد، ترک نموده و از قوی‌ترین دلیل پیروی کند. آرزو مندم موضوع برای تان روشن شده باشد.

برادر شما عطاء ابن خلیل ابو رسته

19 شوال 1433 هـ.ق

6 سپتمبر 2012 م